

چهارتاقی خانه دیو، آتشکده‌ای نو یافته از دوره ساسانی

حسن هاشمی زرج آباد* فرهنگ خادمی ندوشن** سید مهدی موسوی کوهپر*** جواد نیستانی****

The Demon House Square Dome, a Newly-Discovered Sassanian Fire Temple

Hssan Hashemi Zarjabad*, Farhng Khademi Nadoshan**
Seyed Mehdi Mousavi*** Ph.D. Javad Neyestani**** Ph.D

Abstract

Fire temples and square domes are undoubtedly of special importance in archeological studies into the religious aspects of the Sassanian era. As Zoroastrian monotheists, Sassanians considered fire as sacred and over five centuries their kings built a large number of fire temples and square domes across the Persian Empire. The newly-discovered square dome called Demon House is one of the most important square domes of the Sassanian era. Citing Pahlavi texts and Avesta, both foreign researchers and Iranian archeologists have introduced it as one of the three major fire temples of the Sassanian age known as Azar-Barzin-Mehr. Though archeological excavations at the site of this dome did not provide enough evidence to prove that claim, studies show it was the nucleus of a greater structure that used to be made up of four stone pillars, a circumambulation corridor, Padiav, a fire-place platform and a waiting room. The location of the square dome in a small stone mound among the heights of Rivand is quite unique and of extraordinary importance in studying Sassanian fire temples. Considering the significance of fire temples in religious studies pertaining to the Sassanian era and since the aforementioned structure had not been subject to any archeological excavation before, an Iranian-Polish archeological team studied the demon house square dome for the first time over two seasons. This paper has introduced the architectural elements discovered in the Demon House square dome and as part of a greater archeological study into religious structures in the Sassanian ear provides some notes about the significance and position of the Azar-Barzin-Mehr fire temple based on Pahlavi texts.

Keywords

Square Dome, Sassanian, Rivand, Sabzevar, Demon House. Azar-Barzin-Mehr Fire Temple

چکیده

بدون تردید در مطالعات باستان‌شناسی مذهبی عصر ساسانی، آتشکده‌ها و چهارتاقی‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آتش که در تعالیم دین زرتشت از عناصر مقدس و مورد احترام یکتاپرستان زرتشتی بود، در مدت نزدیک به پنج قرن حکومت ساسانی با احداث آتشکده‌ها و چارطاقی‌ها در سراسر امپراطوری تقدس ویژه‌ای یافت. چارطاقی نو یافته خانه دیو از جمله چهارتاقی‌های ارزشمند عصر ساسانی است که برخی محققین خارجی و باستان‌شناسان ایرانی به استناد متون پهلوی بندهشن و یشت‌های اوستا آن را به عنوان آتشکده آذر برزین مهر- یکی از سه آتشکده شاخص دوره ساسانی- معرفی نموده‌اند. اگر چه در پژوهش‌های باستان‌شناختی انجام شده در این بنا مدرک معتبری در تأیید این مسئله بدست نیامد، لیکن مطالعه انجام شده در این بنا بیانگر آن است که این چهارتاقی، هسته اصلی باقیمانده از بنای بزرگتری است؛ متشکل از چهار جز سنگی، راهروی طواف، پادیاو، بقایای سکوی آتشدان، اتاق انتظار، که با توجه به موقعیت قرارگیری چهارتاقی در یک پشته سنگی کم-وسعت و در بین کوه‌های سر به فلک کشیده ریوند در نوع خود منحصر به فرد بوده و از اهمیت فوق‌العاده‌ای در شناخت آتشکده‌های ساسانی برخوردار است. نظر به اهمیت موضوع و جایگاه آتشکده‌ها در مطالعات مذهبی عصر ساسانی و به ویژه از آن جهت که این بنا تاکنون به طور علمی از منظر باستان‌شناختی مورد کاوش قرار نگرفته بود؛ هیأت باستان‌شناسی ایران - لهستان برای نخستین بار طی دو فصل به مطالعه و کاوش در چارطاقی خانه دیو پرداخت. در این راستا مقاله پیش رو با هدف تکمیل مطالعات باستان‌شناختی بناهای مذهبی عصر ساسانی بر مبنای داده‌های باستان‌شناختی ضمن معرفی عناصر و فضاهای معماری مکشوفه چهارتاقی خانه دیو، نکاتی را نیز بر مبنای متون پهلوی در خصوص اهمیت و جایگاه آتشکده آذربرزین مهر ارائه می‌نماید.

واژگان کلیدی

چهارتاقی، ساسانی، ریوند سبزوار، خانه دیو، آتشکده آذربرزین مهر.

* پژوهشگر دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس و عضو هیأت علمی دانشگاه بیرجند. hhashemi@modares.ac.ir
** دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس. تهران. نویسنده مسئول : ۰۲۱ ۸۲۸۸۴۶۵۸ khademi@modares.ac.ir
*** استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس. تهران. m_mousavi@modares.ac.ir
**** استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس. تهران. jneyestani@modares.ac.ir

*PhD Candidate of Archaeology, Tarbiat Modares University, education member in archaeology department, Birjand University

** Associate Professor, archaeology department, Tarbiat Modares University

*** Assistance Professor archaeology department, Tarbiat Modares University

**** Assistance Professor archaeology department, Tarbiat Modares University

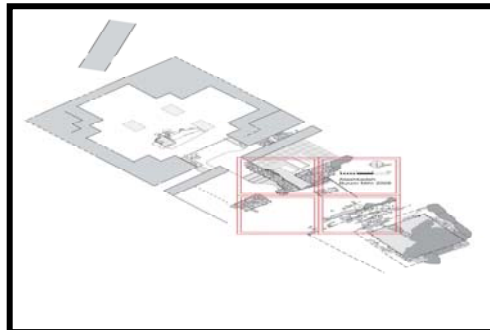
مقدمه

معماری مذهبی ساسانی بیشتر در قالب چهارتاقی‌ها و آتشکده‌ها مورد بحث قرار گرفته است [ویسهوفر، ۱۳۷۷: ۲۴۵]. اهمیت و اعتبار مذهبی آتشکده تا آنجا بود که "هر پادشاه ساسانی در طی مراسم تاج‌گذاری خود آتشی وقف می‌کرد، که نشان و سمبل سلطنت او محسوب می‌شد" [سن، ۱۳۸۵: ۱۲۰]. در این دوره با رسمیت یافتن دین، آتشگاه به عنوان جلوه بارز تشریفات و آداب دینی در جامعه نمایان و در مدت نزدیک به پنج قرن سلسله ساسانی در بسیاری از مناطق، چهارتاقی‌ها و آتشکده‌های بیشماری ساخته شد. چنانکه به روایات "ابن حوقل" جغرافی‌دان قرن چهارم "جایی یا شهری نیست که آتشکده‌ای نداشته باشد" [ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۳۵]. بر طبق متون اوستایی سه آتشکده آذربزین‌مهر، آذرگشنسب و آذر فرنیغ به جهت آنکه آتش بهرام در آنها فروزان بوده است از تمامی آتشکده‌های دیگر با اهمیت و مقدس‌تر بوده و جایگاه بسیار مهمی در میان طبقات اجتماعی جامعه ساسانی داشته‌اند [بویس، ۱۳۷۵: ۵۸]. چنانکه در پازند آمده است؛ آذرگشنسب، آذر فرنیغ، آذر برزین‌مهر و دیگر آذران را که به دادگاه نشانده شده‌اند، بزرگی و فریفتارید [دوستخواه، ۱۳۷۹: ۶۰۷]. کریستن سن مکان آتشکده آذر فرنیغ را که به طبقه روحانیون و موبدان اختصاص داشت، در ناحیه کاریان فارس می‌داند [سن، ۱۳۸۵: ۱۱۹]. آتشکده آذرگشنسب که آن را آتشکده سلطنتی می‌نامیدند، ویژه پادشاهان، ارتشتاران، اشراف و بزرگان عصر ساسانی بود. این آتشکده در شیز آذربایجان قرار داشت [مشکور، ۱۳۴۷: ۱۳۵] و سرانجام آتشکده آذربزین‌مهر که در پهلوی atur – burzin – mitr (یعنی آتشکده مهر بالنده) نامیده شده یکی از سه آتشکده مهم ساسانی است که به تصریح تفسیر پهلوی، آتش نیایش در ریوند خراسان و به کشاورزان اختصاص داشته است. همان‌طور که اشاره شد برخی محققین چارتاقی خانه دیو واقع در ارتفاعات ریوند سبزوار را به عنوان آتشکده آذر برزین‌مهر معرفی نموده‌اند. این رویکرد از آنجا نشأت گرفته است که در متون پهلوی بندهشن آنجا که از چگونگی آتش سخن رفته و همچنین یشت‌های اوستا جایگاه آذربزین‌مهر را ریوند خراسان مشخص کرده‌اند. چنانکه در فرگرد ۱۲، بند ۸ بندهشن آمده است که ریوندکوه در خراسان است. آذربزین‌مهر بر آن نشسته و ریوند یعنی رایومند "شکوهمند" با توجه به صعوبت و برافراستگی این قسمت از جبال بینالود که خود آتشکده مقدسی را در میان می‌گرفته است [بهار، ۱۳۷۵: ۱۴-۱۳]. بندهشن، نشانیدن آتش برزین‌مهر در ریوند را به گشتاسپ نسبت می‌دهد و می‌نویسد که آن را "پشت ویشتاسپان" نیز خوانند که به معنی پشت و پناه گشتاسپ است. در زند "آتش بهرام" آمده است که جای آذربزین‌مهر در کوه ریوند است: کار آذربزین‌مهر کشاورزی است. از یآوری این آتش است که کشاورزان در کار کشاورزی دانا، کوشا و پاکیزه‌تر شوند و... [دوستخواه، ۱۳۷۳: ۹۴۵].

آنچه در خصوص چهارتاقی خانه دیو قابل بحث و تأمل بیشتری است؛ اظهار نظر برخی محققین خارجی و باستان‌شناسان ایرانی در خصوص مکان‌یابی آن است. "فائق توحیدی" (۱۳۵۲) باستان‌شناس مرکز باستان‌شناسی ایران در بررسی باستان‌شناسی منطقه سبزوار به چارتاقی ریوند اشاره نمود. براین اساس وی چارتاقی موسوم به خانه دیو واقع در ارتفاعات ریوند را آتشکده آذربزین‌مهر ساسانی معرفی نموده است. "حسن قره‌خانی" دیگر محقق ایرانی است که در کتاب خود با عنوان "آثار باستانی و بقاع متبرکه اطراف شهرستان سبزوار و اسفراین" ضمن ارائه پلان، گزارشی از چهارتاقی ریوند آورده است [قره‌خانی، ۱۳۶۳]. در سال ۱۳۸۰ آقایان علی‌الداعی، قاسم جغتایی و رحمان گرایلی نیز اقدام به تهیه پلان از چهارتاقی می‌نمایند [میراث فرهنگی مشهد؛ گزارش منتشر نشده] در سال ۱۳۸۴ هیأت ژاپنی به سرپرستی "تاگایا سوهی گوجی" که معابد مجاور جاده ابریشم را مورد بازدید و بررسی قرار می‌دادند از چهارتاقی ریوند بازدید نمودند [میراث فرهنگی سبزوار؛ گزارش منتشر نشده]. "کریستن سن" می‌گوید: آذربزین یا آتش کشاورزان در مشرق مملکت ساسانی و در کوه‌های ریوند، شمال غربی نیشابور واقع بود. لازار فابی قریه ریوند را قریه مغان می‌نامد. به اعتقاد جکسن مکان این آتشکده در قریه مهر بوده است که سر راه خراسان نزدیک سبزوار قرار دارد [سن، ۱۳۸۵: ۱۲۱]. و همچنین بررسی‌های باستان‌شناسی کارشناسان میراث فرهنگی خراسان که در سبزوار و دیگر مناطق اطراف آن انجام گرفته، منحصراً چهارتاقی موجود در ارتفاعات ریوند موسوم به چهارتاقی خانه دیو را آتشکده آذربزین‌مهر معرفی نموده‌اند. در ۱۳۸۶ نخستین فصل مطالعات باستان‌شناسی در چهارتاقی خانه دیو توسط هیأت باستان‌شناسی مشترک ایران و لهستان به منظور بازشناسی پلان و گمانه‌زنی در بخش داخلی جهت دست‌یابی به عناصر وابسته به مراسم آتش یعنی آتشدان چهارتاقی انجام گرفت. به دنبال آن هیأت

مشترک باستان شناسی در سال ۱۳۸۷ به منظور تکمیل پژوهش‌هایش دومین فصل مطالعات خود با هدف تعیین کارکرد و گاهنگاری چهارتاقی خانه دیو آغاز نمود که خوشبختانه منجر به آزادسازی فضاهای معماری قابل توجهی شامل پادیاو، اتاق‌های انتظار، پلکان دسترسی به چهارتاقی و دیگر یافته‌های فرهنگی گردید که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد (تصویر ۱). بدیهی است که نگارندگان مقاله قصد اثبات یا رد اینکه چهارتاقی خانه دیو، آتشکده آذربرزین مهر ساسانی است را نداشته؛ زیرا مدارک و شواهد بدست آمده از دو فصل کاوش در چهارتاقی کامل نبوده و پاسخ به این فرضیه مهم نیاز به انجام مطالعات و کاوش بیشتر در خود بنا و همچنین بررسی پیمایشی در سراسر ارتفاعات ریوند از سبزار تا نیشابور به منظور شناسایی چهارتاقی‌های احتمالی دیگر و تطبیق آن بر مبنای متون پهلوی دارد. لذا موضوع مکانیابی آتشکده آذربرزین مهر همچنان موضوعی سرگشاده و قابل بحث و بررسی است. با این اوصاف، موقعیت استثنایی قرارگیری چهارتاقی در کوه‌های سر به فلک کشیده ریوند، دور افتادگی آن از مراکز آبادانی و شهرهای امروزی و از همه مهم‌تر مشهور بودن آن به آتشکده آذربرزین مهر ساسانی از جمله دلایلی بود که سبب شد هیأت باستان‌شناسی مشترک ایران - لهستان مطالعه و پژوهش در این بنا را آغاز نماید. اهم فرضیات هیأت در کاوش چهارتاقی خانه دیو عبارت است از:

۱. چهارتاقی خانه دیو بنایی مذهبی و متعلق به دوره ساسانی است که تا اوایل دوره اسلامی نیز مورد استفاده قرار گرفته است.
۲. موقعیت قرارگیری خاص چهارتاقی در ارتفاعات ریوند نقش بنیادی در ویژگی‌های منحصر به فرد معماری و سازه‌ای آن داشته است.
۳. چهارتاقی خانه دیو از نوع چهارتاقی‌های مجموعه‌ای با فضاهای وابسته به برگزاری مراسم آتش است که احتمالاً در آن آتش‌آدران (آتش محلی) شعله‌ور می‌شده است.



تصویر ۱. پلان چهارتاقی خانه دیو و فضاهای مکشوفه در کاوش. مأخذ: نگارندگان.

جایگاه جغرافیایی چهارتاقی خانه دیو

چهارتاقی خانه دیو مشهور به آتشکده آذربرزین مهر در ۴۰ کیلومتری شمال غربی شهر سبزار در ۵ کیلومتری شمال روستای فشتنق از توابع دهستان باشتین حومه شرقی بخش داورزن قرار دارد. مختصات چهارتاقی عبارت است از ۳۶ درجه و ۲۰ دقیقه شمالی، ۵۷ درجه و ۲۱ دقیقه شرقی و محور بنا با چهار جهت اصلی به اندازه ۲۲ درجه میل غربی دارد (تصاویر ۲ الی ۴). جهت دسترسی به چهارتاقی خانه دیو می‌بایست از روستای فشتنق نزدیک‌ترین آبادی به چهارتاقی مسیر طولانی و صعب‌العبور کوهستانی را به مدت ۴۵ دقیقه پیمود. جبهه‌ای از ارتفاعات بینالود خراسان سراسر شمال و شمال غربی سبزار را فرا گرفته است. این ارتفاعات مانند دیوار عظیمی از شرق به غرب کشیده شده و دشت اسفراین را از سبزار جدا می‌کند. دو جبهه از بریدگی‌های صخره‌ای در شمال روستای ریوند دره‌ای عمیق پدید آورده که رودخانه معروف ریوند از آن می‌گذرد. دره دیگر یکی از دست‌نیافتنی‌ترین نقاط است که دارای شیب تند در جوانب شرقی و غربی است. در این قسمت پشته سنگی مهیبی از میان بستر سنگی رودخانه سربرکرده که ۱۰۰ متر بلندی دارد (تصویر ۵). موقعیت این محل طوری است که در نخستین دیدار حالتی از سکوت و اعجاب آمیخته با وهم در بیننده پدید می‌آورد و چنین می‌نماید که سازندگان چهارتاقی و مردم معتقد آن زمان در امر مبارزه با طبیعت و همچنین نیل به زیارت

پرستشگاهشان دشواری‌های زیادی را متحمل شده‌اند. منطقه مورد بحث از شرایط بسیار مناسب کشاورزی برخوردار است به طوری که بخش داورزن و دهستان باشتین از جمله غله‌خیزترین مناطق کشاورزی شهرستان سبزوار به شمار می‌آیند. کشت زیره، پنبه، انگور و خربزه از محصولات عمده این بخش محسوب می‌شود. در روستای فشتق تولید انار و در اطراف چهارتاقی تولید گردو رونق فراوانی دارد. زمستان‌های سرد و پربرف و تابستان‌های گرم از خصوصیات آب و هوایی منطقه است (تصاویر ۶ و ۷).



تصویر ۳. موقعیت روستای ریوند و فشتق در شهرستان سبزوار
مأخذ : www.earth.google.com



تصویر ۲. موقعیت سبزوار در استان خراسان رضوی.
مأخذ : سایت گردشگری ایران.



تصویر ۵. توپوگرافی از چهارتاقی خانه دیو. مأخذ : نگارندگان.



تصویر ۴. عکس هوایی از ارتفاعات ریوند و مسیرهای دسترسی به چهارتاقی خانه دیو. مأخذ : نگارندگان.



تصویر ۷. نمای غربی چهارتاقی خانه دیو. مأخذ : نگارندگان.



تصویر ۶. نمای جنوبی از چهارتاقی خانه دیو. مأخذ : نگارندگان.

مشخصات و ویژگی‌های معماری چهارتاقی

با وجود عناصر و الگوهای ثابت در ساخت بناهای ساسانی به ویژه چارتاقی‌ها و آتشکده‌ها اما هر یک، ویژگی و مشخصات خاصی دارد و هیچ‌کدام از نظر پلان کاملاً مشابه یکدیگر نیست. چارتاقی و آتشکده‌ها دارای عناصر معماری مشخصی نظیر چهار جرز قطور، چهار دهانه عریض در جرزها، سقف گنبدی، پلان مربع چلیپا و دلانی در یک طرف یا پیرامون چارتاق است [کازمی، ۱۳۸۶: ۲۹۲]، لیکن خصیصه عمده و ثابت در تمامی چهارتاقی‌ها پلان مربع شکل با گنبدی برافراشته به کمک گوشواره‌هاست [Boyce, 1975:464].

قبل از کاوش در چهارتاقی خانه دیو به نظر می‌رسید چهارتاقی موجود در ارتفاعات ریوند از نوع چهارتاقی‌های منفرد بوده که همانند سایر چهارتاقی‌های عصر ساسانی از چهار پایه مکعب مستطیل جدا از هم تشکیل شده است. لیکن پس از انجام دو فصل کاوش فضاهای معماری وابسته به چهارتاقی در این مکان بدست آمد که با توجه به موقعیت قرارگیری آن در یک پشته سنگی کم وسعت در نوع خود منحصر به فرد است.

پلان چهارتاقی و ابعاد آن

پلان چهارتاقی خانه دیو، چلیپایی است که از جمله پلان رایج و شناخته شده در ساخت آتشکده و چهارتاقی‌های عصر ساسانی است [Huff, 1975: 243-254]. فضای مرکزی چهارتاقی خانه دیو دارای پلان مربع مستطیل ساده به ابعاد ۱۲/۴۶ * ۱۳/۲۹ متر است که گوشه‌های بنا نیز به سمت نقاط اصلی متمایل است. ورودی بنا در سمت شمال شرقی واقع شده است و محور بنا با چهار جهت اصلی به اندازه ۲۲ درجه میل غربی دارد. اتاق اصلی چهارتاق ۶/۶۰ متر مربع است. تورفتگی دیوار قسمت شمال غربی چهارتاقی ۲/۶۳ متر عمق و ۴/۳۲ متر عرض و دیوار قسمت جنوب شرقی چهارتاق فقط ۱/۳۱ متر عمق و ۴/۳۲ عرض دارد. تورفتگی بخش جنوب غربی ۴/۳۲ متر عرض و ۲/۵۶ عمق دارد. در طرف شمال شرقی چهارتاق یک راهروی/دهلیز بسیار باریک به ابعاد ۸۰ سانتیمتر وجود دارد که احتمالاً برای دسترسی به اتاق اصلی و همچنین محوطه جنوبی چهارتاق کاربرد داشته است (تصویر ۸).

فضاهای معماری مکشوفه

همان‌طور که پیشتر ذکر آن رفت در طی دو فصل کاوش باستان‌شناختی فضاهای معماری جالب توجهی نظیر سکوه‌های آتش، کریدور یا راهروی پیش ورودی، آب انبار یا پادیاو، اتاق انتظار و راه پله‌های ورودی چهارتاقی آشکار شد که بر اساس مطالعات انجام گرفته می‌توان بیان کرد که چهارتاقی از سه فضای مجزا به شرح ذیل تشکیل شده است :

۱. فضای باز

این بخش نقش تعامل ارگانیکی بنا را از طریق جلوخان ورودی عهده‌دار بوده و ممکن است دو ورودی با عنایت به درجه‌بندی طبقات اجتماعی آن دوران توسط معمار مربوطه فرض شده باشد. لذا بر اساس شواهد معماری و داده‌های حاصل از گمانه‌زنی، پیش ورودی متشکل از دو اتاق در طرفین کریدور است که راهرو در محور ورودی اصلی چارتاقی قرار نگرفته است. این‌گونه شیوه معماری به جهت لحاظ شدن زمان در طی مسافت راهرو ممکن است دسترسی به آتش درجه دو در اتاق‌های طرفین راهرو را برای زائر تعریف کند و ممکن است به لحاظ مکانی ایجاد حجایی بین محتویات گنبدخانه (آتشدان و آتش) و زائرین بیرون گنبدخانه باشد یعنی در محور قرار نگرفتن راهرو به علت تفکیک کردن افراد مجاز و غیر مجاز از حضور در برابر آتش مقدس یا نگاه به آتش مقدس درجه یک بوده است (تصویر ۹).



تصویر ۹. یکی از اتاق‌های مکشوفه در بخش ورودی چهارتاقی خانه دیو. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۸. فضای داخلی چهارتاقی خانه دیو، درگاه جنوبی. مأخذ: نگارندگان.

۲. فضای نیمه‌باز

این بخش با راهروی کم‌عرضی به اندازه ۵۰ سانتیمتر، حد فاصل فضای پیش ورودی و بخش داخلی چهارتاقی قرار گرفته است. دیوارهای این بخش نیز با لاشه سنگ و ملات گچ ساخته شده است. بخش غربی این دالان در هنگام کاوش انباشته از خاک و سنگ بود، در حالی که بخش شرقی وضعیت بهتری داشت به طوری که به آسانی رفت و آمد از آن امکان‌پذیر بود.

۳. فضای بسته

این بخش از چهارتاقی یکی از مهم‌ترین بخش‌های آن می‌باشد که در فضای مرکزی چهارتاقی مراسم مذهبی وابسته به آتش مقدس انجام می‌شده است. این رویکرد از آنجا حاصل شد که در نخستین فصل کاوش بقایای دو سکوی مستطیل شکل به فاصله نزدیک به یکدیگر که از سنگ و ملات گچ ساخته شده بود در حد فاصل دو پایه ورودی چهارتاقی کشف شد که به احتمال زیاد، این سکوها بخش زیرین پایه‌های آتشدان (آدوشت) بوده است که می‌توان تصور نمود دو سکوی قرینه دیگر نیز در حدفاصل دو پایه دیگر چهارتاقی نیز وجود دارد که متأسفانه به علت آوار بسیار زیاد در این بخش، آزادسازی آن به جهت مشکلات حمل خاک میسر نشد. اگرچه سکوی شماره یک در نزدیکی پایه شمال شرقی تقریباً سالم مانده، لیکن سکوی شماره دو به شدت آسیب‌دیده بود که اقدامات حفاظتی و مرمتی مناسب در آنها به اجرا در آمد. همان‌طور که اشاره گردید می‌توان تصور نمود که بر روی این سکوها آتشدان‌هایی قرار داشته است که متأسفانه به جهت دخل و تصرف‌های فراوان، هیچ‌گونه شواهد و مدارکی در پی اثبات آن به دست نیامد؛ لذا اظهار نظر قطعی در مورد ویژگی‌های شکلی و مقایسه آنها با دیگر پایه‌های مکشوفه آتشکده‌های عصر ساسانی را مشکل نموده است (تصویر ۱۰).

ویژگی‌های سازه‌ای چهارتاقی

پیمون: (هندسه) از بیرون و داخل چارتاقی مربع شکل است صفتها با هندسه مستطیل هستند و در مجموع کلیت هندسه بنا مربع است ولی اجزاء هندسه مستطیل به لحاظ کمیت غالب بر مربع می‌باشد (تصویر ۱۱).

تعادل: با کمی اغماض در هندسه و اجرا دارای تعادل طولی و عرضی است. صفت جنوبی به نسبت دیگر پله‌ها از عمق کمتری برخوردار است.

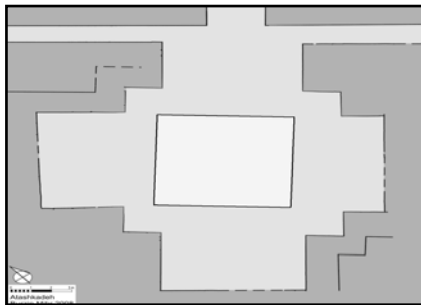
تقارن: بنا در کف و نما دارای تقارن طولی و عرضی است.

ریتم: تکرار هندسه مستطیل شکل در صفتها بنا را دارای ریتم کرده است که سه ویژگی تعادل، تقارن و ریتم در تصویر ۱۲ قابل مشاهده است.

سیرکولاسیون : بر اساس شواهد موجود و داده‌های حاصله از گمانه‌زنی ورودی چهارتاقی دسترسی از ضلع شمال شرقی با یک فضای پیش ورودی بوده است. ضلع شمالی، پرتگاهی است که شاهدهی بر وجود محل تردد در این مکان شناسایی نشده است (تصویر ۱۳).

سیرکولاسیون تهویه و نور : تنها اثر بجا مانده از دریچه نور و تهویه در دیوار شمال شرقی است که در رأس طاق قرار دارد. با این وجود و داعی‌های معماری بر جای مانده از اطاق‌ها کلیه تاق‌ها مسدود بوده است لذا تهویه و نور صرفاً از ورودی و دریچه‌های گنبد خانه صورت می‌گرفته است.

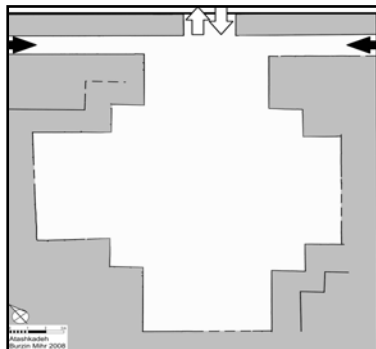
فضای پر چهارتاقی به دو قسمت تقسیم می‌شود الف : فضای پر حایل ب : فضای پر حمال (تصویر ۱۴).



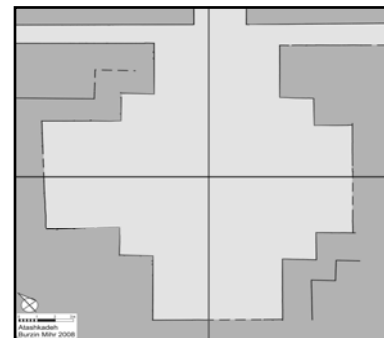
تصویر ۱۱. پیمون در چهارتاقی؛ خاکستری مستطیل، سفید مربع
مأخذ : نگارندگان.



تصویر ۱۰. یکی از سکوه‌های آتشدان مکشوفه چهارتاقی خانه دیو.
مأخذ : نگارندگان.



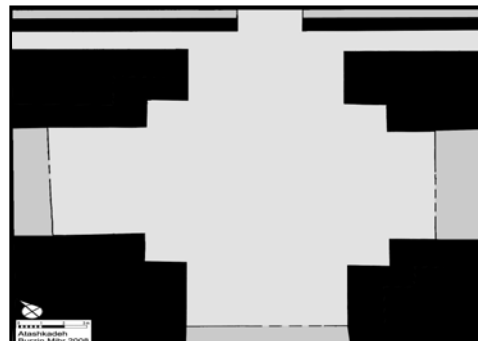
تصویر ۱۳. دسترسی : سفید درجه ۱ و مشکی دسترسی
درجه ۲ سیرکولاسیون. مأخذ : نگارندگان.



تصویر ۱۲. تعادل و تقارن در چهارتاقی : خط افقی و
عمودی محور تعادل و تقارن. مأخذ : نگارندگان.



تصویر ۱۵. دالان طواف چهارتاقی. خانه دیو.
مأخذ : نگارندگان.



تصویر ۱۴. فضای پر چهارتاقی : مشکی فضای پر باربر،
خاکستری فضای پر غیر باربر. مأخذ : نگارندگان.

مصالح، شیوه ساخت و اجرا

مصالح مورد استفاده در چهارتاقی خانه دیو همانند بسیاری از بناهای عصر ساسانی از لاشه سنگ و ملات گچ ساخته شده است. معماران خانه دیو از مصالح بوم‌آورد و ایدری در ساخت بخش‌های مختلف بنا استفاده نمودند. به همین منظور از قلوه سنگ‌های کف رودخانه که با آن فاصله بسیار نزدیکی دارد و همچنین از لاشه سنگ‌های کوه‌های اطراف که به وفور در محل وجود داشته، استفاده نمودند. هر یک از پایه‌های چهارتاقی با استفاده از مصالح لاشه‌سنگ و ملات گچ ساخته شدند. در حد فاصل پایه‌ها ورودی‌هایی در چهارجهت اصلی قرار دارد که همانند بسیاری از چهارتاقی‌های این عصر به راهرو طواف پشت جرزها مرتبط می‌شوند (تصویر ۱۵). متأسفانه از پوشش سقف بنا جز بخشی از منطقه انتقالی که با شیوه گوشوارسازی فیلیپوش انجام شده و اکنون در بخش فوقانی پایه شرقی چهارتاقی قابل رؤیت است؛ چیزی باقی نمانده است. مطالعات صورت گرفته در چهارتاقی بیانگر آن است که توپوگرافی نقش بسزایی در ساخت آن داشته است. شش مرحله ذیل می‌تواند شناخت بهتری در ساخت این چهارتاقی به دست دهد:

مرحله اول: صفه‌سازی بر اساس عارضه‌های محل صورت گرفته است؛ به گونه‌ای که مناطق گود، جایی سنگ چین شده، در جایی نیز از صخره به عنوان پی استفاده شده در کرسی‌سازی بنا حفظ طبیعت لحاظ شده است.

مرحله دوم: در کرسی چینی چهارتاقی از ترکیب ملات ساروج با شن، ماسه، خاک رس، و شیره آهک استفاده شده است. سنگ‌ها در قسمت پایین درشت و قطور هستند و هر چه به سمت بالاتر می‌رود از ضخامت، پهنا و درازای سنگ‌ها کاسته می‌شود.

مرحله سوم: اجرای طاق‌ها با ملات گچ نیم‌کوب و خاک‌رس و کیل سه گچ و یک خاک‌رس کار شده است. روتر (Reuther) معتقد است در دوره ساسانی قوس ساختمان‌ها در سه نوع اجرا می‌شده که نوع سوم از نوع خمیده بوده است. همچنین هر سه نوع قوس بدون بهره‌گیری از ابزار مرکزی ساخته می‌شد. البته در این حالت سنگ‌ها خود همچون مصالح ساختمانی عمل کرده و ملات گچ به کاررفته در لابلای آنها نیز همچون عامل پیونددهنده مورد استفاده قرار می‌گیرد [Reuther, 1938: 498] قوس‌های چهاردهانه ورودی چهارتاقی خانه دیو از دسته قوس‌های بیز (هلوجین) ساسانی است [زمرشیدی، ۱۳۷۳: ۱۵۱-۱۳۰] نمونه‌هایی از آن را می‌توان در طاق‌های نعلی‌شکل دروازه‌های شمالی و جنوبی تخت سلیمان و آتشکده بازه هور مشاهده نمود که معماران ساسانی با مهارت خاصی این سازه‌های قوسی را اجرا می‌کردند. استفاده از پیمون استاندارد پذیرفته توسط معماران به آنان اجازه می‌داد که در اجرای قوس درگاه‌ها بدون استفاده از ابزارهای خاصی و همزمان با چیدمان سنگ‌ها در ساخت جرزها، قوس مورد نظر را از پلاط آغاز کرده و به تدریج مراحل شکل‌گیری آن در ناحیه شکرگاه و ایوارگاه و سرانجام در تیزه قوس کامل شود (تصویر ۱۶).

مرحله چهارم: اجرای جرزها برای جلوگیری از رانش طاق‌ها با مصالح لاشه‌سنگ و ملات گچ. جرزها نقش بنیادی در استحکام بخشی طاق‌ها، تحمل نیروهای رانشی حاصل از آن و همچنین تحمل وزن سنگین گنبد را دارد؛ لذا در ساخت آن مسایل نیارشی به خوبی رعایت شده است. روش ساخت جرزها و ترکیب ساختاری آنها شبیه بسیاری از چهارتاقی‌های سنگی دوره ساسانی از جمله چهارتاقی بازه هور، چهارتاقی فراشبند و نقارخانه فراشبند [VandenBerghe, 1961: 184-185] و چهارتاقی چین ژیه ایلام [VandenBerghe, 1977: 182-184] چهارتاقی گنبد در نزدیکی اویز و به فاصله ۷ کیلومتری شمال فراشبند و چهارتاقی بلده میان دو شهر فراشبند و کازرون [بیر، ۱۳۸۵: ۴۵] است که لاشه سنگ‌های کوچک و بزرگ بی‌شکل و با نظم خاصی در کنار هم به وسیله ملات گچ قرار داده شدند. البته در چیدمان سنگ‌ها سعی نمودند که سطح صاف سنگ‌ها در نمای بیرونی قرار داشته باشد تا بتوانند سطوح آن را با لایه ضخیمی از گچ اندود نمایند تا آثار اندود گچ علاوه بر پایه‌ها و دیوارهای سطوح داخلی در سطوح دیوارهای مکشوفه اتاق‌های پیش ورودی و پادیاو نیز بدست آمد.

مرحله پنجم: گوشوارسازی: متأسفانه از معماری اشکانی که در واقع پوشش سغ (منحنی) از این دوره آغاز می‌شود در داخل ایران نمونه‌ای به جای نمانده است. در بازه هور خراسان بین خواف و نیشابور گنبدی دیده می‌شود که گوشه‌سازی آن با چوب انجام شده و خود گنبد با لاشه سنگ ساخته شده است. بنا متعلق به اواخر اشکانی یا اوایل ساسانی است [بیرنیا، ۱۳۷۰: ۱۷]. ویژگی مهم این چهارتاقی روش تبدیل از چهارضلعی به هشتضلعی و سپس دایره است. معمار این بنا به جای اجزای قوسی

شکل از گوشه‌سازی چوبی بهره گرفته است. با قرارگیری چوب‌ها به صورت پلکانی، چهار گوشه آن را بالا آورده‌اند. در چهار سوی پاکار گنبد و بر بالای چارتاق اصلی چهار روزن ایجاد شده است [پیرنیا، ۱۳۸۷ : ۲۳۹].

استفاده از تکنیک گوشوارسازی به منظور فراهم نمودن زمینه تبدیل پلان چهارضلعی به دایره همواره به عنوان یک ابداع و نوآوری ساسانی در نظر گرفته شده است. زیرا این تکنیک در فیروزآباد، سروستان و سایر بناهای این عصر به کار رفته است [بیر، ۱۳۸۵ : ۷۳]؛ گوشوارهای دوره ساسانی با سه شیوه خاص اجرا شده است. گوشوارهای فیروزآباد که شاید قدیم‌ترین نمونه شناسایی شده آن باشد بیانگر نوع اول می‌باشد. آنها همگی از تخته سنگ‌های ناهموار و زمختی تشکیل شده‌اند که در گوشه‌ها و حلقه‌هایی چیده شده است و قطر آنها به تدریج افزایش می‌یابد. نوع دوم گوشوارها در بناهایی یافت شده که به طور متداول در زمان ساسانیان طراحی شده و اساساً مخروطی شکل است، مضاف بر یک سنگ حمال کوتاهی که در کنج نیز واقع شده و به نظر می‌رسد مانند یک دیسک نیمه مدور قرار گرفته باشد. این نوع از گوشوارها در تعدادی از چهارتاقی‌های استان فارس قابل مشاهده است [Huff, 1975: 247].

در نوع سوم این گوشوارها، قسمت‌هایی از دو گنبد بسیار بلند جای مخروط را می‌گیرند به طوری که از قسمت دیوارهای تکیه‌گاه، قوسی را به طرف جلو تشکیل می‌دهند و در قسمت گوشه دارای زاویه‌ای هستند که به تدریج با پیشروی به یک سایبان گنبدی منحنی‌دار در رأس ناپدید می‌شوند. برجسته‌ترین این نوع گوشوارها را می‌توان در بنای چارقاپو در قصر شیرین مشاهده کرد [لئونل بیر، ۱۳۸۵ : ۷۴].

خوشبختانه بخشی از گوشوار چهارتاقی خانه دیو در بخش فوقانی یکی از پایه‌ها به طرز حیرت‌آوری سالم باقی مانده است. این گوشوار از نوع فیلیپوش بوده که جهت اجرای آن از نقطه صفر در محل اتصال دو دیوار پایه چهارتاقی لایه‌های طاقی همانند صدف و به صورت ضربی بر روی هم قرار گرفتند تا به نقطه مطلوب برسند در واقع این سازه همانند یک تاق یا سنگ حمال بر روی دیوارها است و مسئولیت نگهداری پایه گنبد را در یک کنج یا گوشه به عهده دارد. نمونه‌های مشابه آن را می‌توان در چهارتاقی‌های فارس نیز مشاهده کرد (تصویر ۱۷).

استفاده از تکنیک گوشوارسازی در ساخت گنبد بناهای اسلامی به ویژه مقابر دوران اسلامی خراسان به روشنی قابل رؤیت است [Murrie Clevenger, 1968: 57-64].



تصویر ۱۷. بخشی از منطقه انتقالی (گوشوار از نوع فیلیپوش) چهارتاقی خانه دیو. مأخذ: نگارندگان.



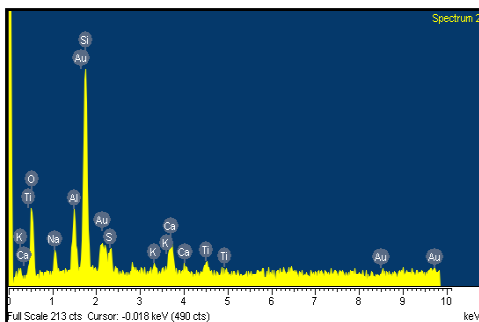
تصویر ۱۶. درگاه شمالی چهارتاقی خانه دیو. مأخذ: نگارندگان.

مرحله ششم؛ ساخت گنبد: جدا از گنبد‌های اولیه فیروز آباد تاریخ معماری دوره ساسانی اطلاعات مختصری در خصوص تاریخچه ساختار گنبد‌های ساسانیان را ارائه می‌دهد. چارتاق‌های استان فارس و کرمان ارائه‌کننده منبع غنی داده‌هایی برای مطالعه تکنیک‌های ساختمانی عصر ساسانی است. گنبد‌های این چارتاق‌ها از سنگ‌های بدون برش و ملات گچ ساخته شده است [Huff, 1975: 243-248] به نظر می‌رسد در چهارتاقی خانه دیو نیز پس از تبدیل پلان از چارتاقی به هشت و ایجاد زمینه دایره (بشن)، گنبد اجرا شده است. اگرچه از گنبد بنا به جز بخش اندکی از گوشوار باقی نمانده اما می‌توان بر مبنای چهارتاقی‌های مشابه (از جمله چهارتاقی بازهور خراسان که گنبد آن با لاشه سنگ ساخته شده است) چنین تصور کرد که گنبدی مدور اجزای

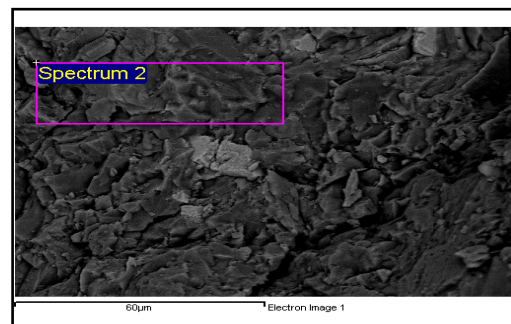
این مجموعه را به هم پیوند می‌داده و این منطقی‌ترین راهکار برای پوشاندن این نوع بناهاست که اغلب با لاشه سنگ و ملات گچ ساخته می‌شده است.

مطالعه آزمایشگاهی ملات چهارتاقی

به منظور شناسایی ملات به کار رفته در چارتاقی، چند نمونه از ملات بنا در قسمت‌های مختلف برداشته و به آزمایشگاه فرستاده شد. شناسایی ملات با استفاده از روش تجزیه دستگاهی (SEM) صورت پذیرفت. هرچند نتایج به دست آمده از آزمایش (SEM) از لحاظ کمی قابل استناد نیست، اما می‌توان به کمک آن عناصر تشکیل‌دهنده ساختار نمونه را مشخص کرد. فازهای شاخص و اصلی نمونه مجهول عبارت است از: کلسیم و سولفات به همراه یون‌های پتاسیم، سدیم، منیزیم و ... که در فرایند رسوب‌گذاری سولفات کلسیم ($CaSO_4$) که همان گچ است را تشکیل می‌دهد. بنابراین با توجه به تجزیه و تحلیل نتایج به دست آمده از روش‌های آنالیز دستگاهی، وجود گچ به عنوان ماده اصلی تشکیل‌دهنده ساختار ملات چارتاقی ریوند مسلم و تأیید شد (تصاویر ۱۸ و ۱۹). استفاده از لاشه سنگ، ملات گچ و نماکاری دیوارها با گچ از جمله ویژگی‌های شاخص معماری ساسانی است که به طور مکرر توسط محققینی چون، رویتر [reuther,1977:498] و اشلومبرگر [schlumberger,1974:217] به عنوان نشانه‌ای مهم برای منشأ بناهای ساسانی ذکر شده است.



تصویر ۱۹. نمودار تجزیه آزمایشگاهی از نمونه برداری ملات چارتاقی خانه دیو. مأخذ: نگارندگان.



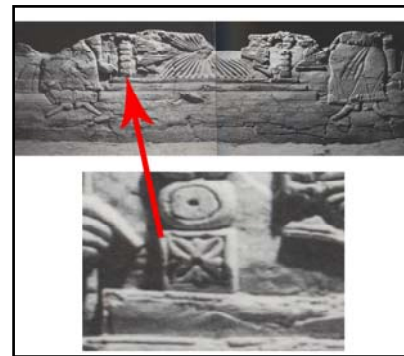
تصویر ۱۸. نمونه آزمایشگاهی از ملات چارتاقی خانه دیو. مأخذ: نگارندگان.

یافته‌های گچی و سفال

بدون تردید معماری دوره ساسانی شدیداً تزئینی بوده و این موضوع را می‌توان در کثرت گچکاری‌های تزئینی در بناهای این دوره مشاهده نمود [Azarnoush,2001 : 275] در جریان کاوش، قطعاتی گچی با اشکال متنوع هندسی و گیاهی به دست آمد که قابل مقایسه با دیگر آثار گچی شاخص دوره ساسانی است. از جمله این قطعات می‌توان به قطعه گچی مکشوفه با نقش مئاندر یا سواستیکا اشاره نمود. نقش مئاندر و کاربرد آن در هنر ایران سابقه‌ای دیرینه دارد که قطعه گچی مذکور بیانگر تدوam بکارگیری این‌گونه نقوش در تزئینات گچی بسیاری از بناهای مذهبی و کاخ‌های ساسانی است. در کاوش‌های تپه دامغانی سبزواری که توسط هیأت ایران و فرانسه انجام گرفت قطعه سنگی با نقش مئاندر کشف گردید^۴. چنانکه دو نمونه از قطعات گچی بدست آمده در چارتاقی که نقش مئاندر و نقش گلی در آن دیده می‌شود قابل مقایسه با گچبری‌های زیبای بنای ساسانی "بندیان درگز"^۵ در شمال خراسان است [رهبر، ۱۳۷۸؛ Rahbar,1998:212-250]؛ (تصاویر ۲۰ الی ۲۲). سفال‌های به دست آمده از چارتاقی به دو دوره ساسانی و اسلامی تقسیم می‌شود. سفال‌های ساسانی قابل مقایسه با سفال‌های شناخته شده محوطه قلعه یزدگرد، و سفال‌های اسلامی از نوع سفال‌های سبک نیشابور است [Keal, and Marguerite,1981] (تصاویر ۲۳ و ۲۴).



تصویر ۲۳. قطعه سفال با نقش استامپی حرف M مکشوفه از چهارتاقی خانه دیو. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۲۲. گچبری‌های بندیان درگز که نقوش تزیینی آن قابل مقایسه با قطعات گچی چهارتاقی خانه دیو است. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۲۴. تکه سفال‌های دوران اسلامی مکشوفه از چهارتاقی خانه دیو. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۲۱. قطعه گچ تزیینی با نقش گیاهی مکشوفه از چهارتاقی خانه دیو. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۲۰. قطعه گچ تزیینی با نقش مئاندر مکشوفه از چهارتاقی خانه دیو. مأخذ: نگارندگان.

عملکرد احتمالی چهارتاقی خانه دیو

مطالعات کلی صورت گرفته در رابطه با بناهای مذهبی ساسانی شناخته شده نشان می‌دهد که بناهای مذهبی این دوره دارای ویژگی‌های مشخصی از معماری دوره پارتی بوده و سنت‌های خاص و منحصر به فرد خود را داشته است، به طوری که اکثر این بناها دارای پلان چهارتاقی هستند. شیپمان (Schippmann) در پی تحقیقاتی که در خصوص چهارتاقی‌ها انجام داده چارتاقی‌های ساسانی را به دو گروه اصلی تقسیم می‌کند: گروه نخست چهارتاقی‌هایی که با ساختارهای بزرگ در ارتباط هستند (تخت سلیمان) گروه دوم چهارتاقی‌های منفردی که گاه آتشگاه و سایر اتاق‌های فرعی نیز به آنها اضافه می‌شده است (آتشکده نیاسر) [Schippmann, 1972: 353-364]. دیگر محققین، الگوهای مختلفی در شناخت چهارتاقی‌ها ارائه نموده‌اند از جمله گروپ (Groop) سه مدل در خصوص استفاده از آتشکده‌های کهن پیشنهاد کرده است؛ مدل اول، موسوم به اگیار، ساختمانی مستطیل شکل است که در میان آن یک اتاق مربع شکل گنبدار به نام "آدریان" وجود دارد که توسط یک راهرو محصور شده است. در یک سمت از آدریان اتاق دیگری وجود دارد که "یزش‌گاه" نامیده می‌شود. این اتاق یا به طور مستقیم و یا توسط یک راهرو با اتاق اصلی در ارتباط است. نوع دوم، آتشکده‌های شامل یک اتاق گنبد شکل که توسط یک راهرو در بر گرفته شده است این نوع آتشکده فاقد یزش‌گاه است. نوع سوم، آتشکده‌هایی است که از یک یا چند یزش‌گاه بدون فضای آدریان (اتاق گنبد دار مرکزی) تشکیل شده است [Groop, 1969: 166-173]. "پوپ" نیز آتشکده‌های ساسانی را از نظر کاربری به دو گروه تقسیم می‌کند: گروه اول، آتشکده‌هایی است که جهت عبادت همگانی مورد استفاده قرار می‌گرفتند و گروه دوم آتشکده‌هایی است که به منظور نگهداری آتش مقدس ایجاد شده و صرفاً در دسترس موبدان بوده است [پوپ، ۱۳۳۸: ۵۵] "مری بویس" معتقد است؛ آتشکده‌ها بنا بر اهمیت نوع آتشی که در آن قرار می‌گیرد به سه دسته آتش آدران، آتش دادگاه و آتش بهرام تقسیم می‌شود [بویس، ۱۳۷۵: ۹۸]. آتش بهرام مهم‌ترین و مقدس‌ترین آتش می‌باشد که به آتش پادشاه پیروزگر موسوم است. این آتش با تشریفات خاصی از شانزده آتش مختلف

تهیه و تطهیر می‌شود [گیمن، ۱۳۸۵ : ۱۲۹-۱۱۶] آتش آدران در مرتبه‌ای پایین‌تر از آتش بهرام قرار دارد که برای نشان دادن آن تنها چهار نوع آتش خانگی کافی است و مراسم تطهیر و تقدیس آن از ساده‌تر از آتش بهرام است و در نهایت آتش دادگاه که تنها از یک آتش به سادگی تهیه، تطهیر و تقدیس می‌شود [بویس، ۱۳۸۴ : ۱۵۷] به نظر نگارندگان، آنچه که از بازشناسی پلان و فضاهای مکشوفه از چهارتاقی خانه دیو بدست آمده بیانگر آن است که چهارتاقی مورد مطالعه بر طبق تقسیم بندی شپیمان (Schippmann) از ساختار پیچیده و وسیعی مانند آتشکده تخت سلیمان برخوردار نیست و قطعاً نمی‌تواند در این بنا آتش مهمی چون آتش بهرام شعله‌ور شده باشد. لیکن به نظر می‌رسد در این چهارتاقی با در نظر گرفتن ابعاد و فضاهای مکشوفه آن آتشی در درجه اهمیت پایین‌تر از بهرام یعنی آتش آدران یا آتش محلی شعله‌ور می‌شده است که بر مبنای تعلیمات زرتشتی تنها موبدان اجازه ورود به حریم این آتش را داشته و دیگر نیایش‌کنندگان در جلو درگاه‌ها، اتاق انتظار و راهروی طواف تجمع می‌کردند و از دور ناظر بر انجام مراسم و سرودهایی بودند که توسط موبد یا موبدان خوانده می‌شد.

نتیجه‌گیری

تا قبل از مطالعات باستان‌شناسی هیأت ایران- لهستان تصور بر این بود که چهارتاقی خانه دیو یک چهارتاقی منفرد است؛ اما پژوهش‌های باستان‌شناختی نشان داد که این بنا از نوع چهارتاقی‌های مجموعه‌ای است و دارای فضاهای پیش ورودی، آب انبار یا وضوخانه برای تطهیر، اتاق انتظار، اتاق استراحت و پلکان ورودی از آب انبار تا مکان مرکزی آتشکده بوده است. مقایسه پلان چارتاقی ریوند با دیگر چارتاقی‌های ساسانی نظیر آتشکده آذرگشنسب^۶ آتشکده بندیان درگز در ایران نشان می‌دهد که علیرغم اینکه از نظر پلان چلیپایی و ساختار معماری به آنها شبیه است؛ لیکن موقعیت قرارگیری خاص چهارتاقی در ارتفاعات ریوند و استفاده بهینه از فضای موجود پشته سنگی، نقش بنیادی در ویژگی‌های منحصر به فرد معماری و سازه‌ای آن داشته است لذا چهارتاقی دارای جرزهای بسیار قطور بوده و نسبت فضای داخلی به سازه‌ها ناموزون و از این نظر شبیه چهارتاقی ساسانی بازه هور^۷ در خراسان است. همچنین با توجه به سبک معماری بکار رفته در بنای چهارتاقی ریوند از نظر فضای معماری چلیپایی که فرم رایج در ساخت آتشکده‌های ساسانی است و همچنین نوع تاق، نوع ملات گچ (که به وسیله آزمایش مشخص شد)، استفاده از لاشه‌سنگ و ناکاری دیوارها با گچ و به ویژه تکنیک گوشوارسازی از نوع فیلیپوش و همچنین کشف مواد فرهنگی مهمی چون، گچبری‌های زیبا با نقش متاندرکه با گچبری‌های بنای ساسانی بندیان درگز در خراسان و طاقچه‌های کاخ شاپور در بیشاپور فارس قابل مقایسه است و مقایسه سفال‌هایی مکشوفه با سفال‌های ساسانی قلعه یزدگرد و از همه مهم‌تر کشف سکه‌ای از خسرو دوم ساسانی، از جمله مدارک معتبر و غیر قابل انکاری در ساسانی بودن چهارتاقی خانه دیو به شمار می‌رود (تصاویر ۲۵ و ۲۶).



تصویر ۲۶. روی سکه خسرو دوم مکشوفه از چهارتاقی خانه دیو. مأخذ : نگارندگان.



تصویر ۲۵. پشت سکه خسرو دوم مکشوفه از چهارتاقی خانه دیو. مأخذ : نگارندگان.

فضاهای مکشوفه معماری نشان داد که این بنا دارای دو دوره مشخص معماری است؛ دوره اول که متعلق به عصر ساسانی است و چهارتاقی و فضاهای خارج از آن در این دوره ساخته شده است و آخرین دوره معماری به دوران اسلامی و به طور مشخص بر اساس

سفال‌های به دست آمده به سده‌های میانه اسلامی تعلق دارد. در این دوره دیواری روی پلکان ورودی ایجاد کرده‌اند که با این دیوار، فضای این دو اطاق جدا شده و ورود به آتشکده از اطاق جنوبی امکان‌پذیر است. مدارک تاریخی حکایت از آن دارد که زرتشتیان در این دوره، خراسان را ترک و به مناطق خارج از ایران به ویژه هند مهاجرت کرده‌اند. با در نظر گرفتن ابعاد و فضاهای مکشوفه در چهارتاقی خانه دیو به نظر می‌رسد آتشی در درجه اهمیت پایین‌تر از آتش بهرام یعنی آتش آدران یا آتش محلی در این مکان شعله‌ور می‌شده است که بر مبنای تعلیمات زرتشتی تنها موبدان اجازه ورود به حریم این آتش را داشته و دیگر نیایش‌کنندگان در جلو درگاه‌ها، اتاق انتظار و راهروی طواف تجمع می‌کردند و از دور ناظر بر انجام مراسم و سرودهایی بودند که توسط موبد یا موبدان خوانده می‌شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. فشنتق (foshtongh) روستایی کوچک در ۳۵ کیلومتری شمال غرب سبزوار و ۱۰ کیلومتری روستای ریوند است.
۲. مطالعات باستانشناختی در چهارتاقی ریوند توسط هیأت مشترک ایران و لهستان در دو فصل در سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۶ به سرپرستی اینجانب (حسن هاشمی) و دکتر بار بارا کایم از دانشگاه ورشو لهستان انجام گرفت. اعضای گروه عبارت بودند از مارچین واگنر، مایا کورناسکا (باستان‌شناس) یوآنالیس (مرمتگر آثار) میچی سواف میهویچ (مهندس معمار) علی زارعی، محمد عبدالله‌زاده، سیامک شریفی، مجید حانمی، حسین قادی، علیرضا پروانه، امیر شیخ (باستان‌شناس)، علی صالحی و مهناز مقدسی (مرمتگر بنا و بافت‌های تاریخی).
۳. در طی دو فصل کاوش هیأت در بخش‌های داخلی و خارجی چارتاقی اقدام به حفر ۷ گمانه - ۳ گمانه در فصل اول و ۴ گمانه در فصل دوم - نمود.
۴. کاوش در تپه دامغانی سبزوار در سال ۱۳۸۷ به سرپرستی دکتر هنری فرانکفورت و علی اصغر وحدتی انجام گرفت و قدمت مواد فرهنگی مکشوفه توسط کاوشگران هزاره سوم قبل از میلاد تعیین شد. نقش مئاندر از جمله رایج‌ترین نقوش مورد استفاده در پارچه و تزیینات گچبری دوره پارت و ساسانی است این نقش که به شکل کلید یونانی است نام خود را از نام دریاچه‌ای پرپیچ و خم در آسیای صغیر گرفته است.
۵. محوطه بندیان در ۲ کیلومتری شمال غربی شهرستان درگز واقع شده است که با مرز ترکمنستان در حدود ۲۰ کیلومتر فاصله دارد. کاوش در این مکان که در سال ۱۳۷۳ توسط باستان‌شناس ایرانی "مهدی رهبر" انجام گرفت، منجر به کشف فضاهای معماری مهمی نظیر تالار بزرگ ستوندار، اتاق نگهداری نذورات، آتشکده، ایوان، فضای دایره‌ای شکل و اتاق استودان‌ها شد. که کاوشگر بندیان مجموعه بندیان را یک مکان مذهبی متعلق به دوره ساسانی می‌داند.
۶. "بزش‌گاه" دومین اتاق مهم آتشکده است که در آن آتش وقتی برای نیایش در معرض دید نیست شعله‌ور حفظ می‌شود.
۷. مجموعه تاریخی تخت سلیمان در ۴۳ کیلومتری شمال شهرستان تکاب و ۳ کیلومتری شرق بخش تخت سلیمان در استان آذربایجان غربی واقع شده است. آتشکده تخت سلیمان به عنوان یکی از سه آتشکده مهم عصر ساسانی به طبقه شاهان تعلق داشته و در متون پهلوی به آتشکده آذرگشنسب معروف است.
۸. بازه هور، چهارتاقی معروف عصر ساسانی است که در سر راه مشهد به تربت حیدریه کمی بعد از محلی به نام رباط سفید واقع شده است. جرز بسیار قطور و گوشه‌سازی گنبد با استفاده از چوب از جمله ویژگی‌های منحصر به فرد این چهارتاقی است.

فهرست منابع

- ابن حوقل، ۱۳۶۶. **صورة الارض**. ت: جعفر شعار. چاپ دوم. امیرکبیر. تهران
- بویس، مری. ۱۳۷۵. **تاریخ کیش زرتشت**. ت: همایون صنعتی‌زاده. جلد دوم. تهران.
- _____. ۱۳۸۴. **تاریخ دیانت زرتشتی در دوران متأخر**. ت: فریدون وهمن. انتشارات بنیاد فرهنگ ایران. تهران.
- بهار، مهرداد. ۱۳۷۵. **پژوهشی در اساطیر ایران**. نشر چشمه. تهران.
- بیر، لئونل. ۱۳۸۵. **سروستان (مجموعه معماری ایران از بدو شکل‌گیری تا ظهور اسلام**. چاپ اول. انتشارات سبحان نور. تهران.
- پوپ، آرتور. ۱۳۳۸. **هنر ایران**. ت: دکتر پرویز خانلری. انتشارات صفی‌علیشاه. تهران.
- پیرنیا، محمد کریم. ۱۳۷۰. **"گنبد در معماری ایران"**. فصلنامه علمی. فنی و هنری اثر، شماره ۲۰. انتشارات سازمان میراث فرهنگی. تهران.
- پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۸۷. **معماری ایرانی**. تدوین غلامحسین معاریان. چاپ اول. انتشارات سروش دانش. تهران.

- توحیدی، فائق. ۱۳۵۶. گزارش منتشر نشده بررسی باستان‌شناسی سبزووار. آرشبو سازمان میراث فرهنگی سبزووار.
 - دوستخواه، جلیل. ۱۳۷۹. اوستا کهنترین سرودها و متن‌های ایرانی. جلد دوم. چاپ پنجم. انتشارات مروارید. تهران.
 - رهبر، مهدی. ۱۳۷۸. معرفی آدریان (نیایشگاه) مکشوفه دوره ساسانی دربندیان درگژ و بررسی مشکلات معماری این بنا. در دومین کنگره معماری و شهرسازی ایران. ارگ بم. کرمان. جلد دوم. انتشارات سازمان میراث فرهنگی. تهران.
 - زمرشیدی، حسین. ۱۳۷۳. طاق و قوس در معماری ایران. چاپ دوم. انتشارات کیهان. تهران.
 - قره‌خانی، حسن. ۱۳۶۳. آثار باستانی و بقاع متبرکه اطراف شهرستان سبزووار و اسفراین. انتشارات یساولی. تهران.
 - کاظمی، یاغش. ۱۳۸۶. آتشگاه اصفهان. چاپ اول. انتشارات سازمان فرهنگی شهرداری اصفهان. اصفهان.
 - کریستین سن، آرتور. ۱۳۸۵. ایران در زمان ساسانیان. ت: رشید یاسمی. چاپ پنجم. انتشارات صدای معاصر. تهران.
 - گیمن، دوشمن. ۱۳۸۵. دین ایران باستان. ت: رویا منسجم. انتشارات علم. تهران.
 - مشکور، محمدجواد. ۱۳۴۷. تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان. دانشسرای عالی. تهران.
 - ویسهوفر، یوزف. ۱۳۷۷. ایران باستان از ۵۵۰ ق.م تا ۶۵۰ م. ت: مرتضی ثاقب‌فر. چاپ اول. انتشارات ققنوس. تهران.
- Azarnosh. 2001. **Sasanian art**. The Splendour of Iran Ed: A.SH.shabbazi. (3 Vol : 2001- 2003) Tions London (V: 1 pp 274- 279).
 - Boyce M.1975. **Review: on the Zoroastrian Temple Cult of Fire**, Journal of the American oriental Society, Vol.95.No.3 (Jul. – Sep., 1975), pp454-465.
 - Gropp, G .1969. **die fonction des feuertemples der Zoroaster**. aminf2 (pp166-173)
 - Huff, D. 1975. "**Sasanian cahar tags in fars**". Proceedings of the iiind annual symposiumon archaeological resaerch in Iran, Tehran: Iranian center archaeological research .pp243-254.
 - Karimian, H. 2008. **Iranian social structure in sasanian period**, in BAR international, series 1810: 99-106.
 - Keal, E.J and Marguerite j. keal.1981. "**The Qaleh-Yazdigird Pottery ;A Statistical Apporoach**" Iran,XIX.pp 33-80
 - Rahbar, M. 1995. "**Decouverte d, UN monnment d, époque Sassanid a Bandian, dargaz (Nord Khorassan)**". Fouilles 1994 et 1995, Studia Iranica, 27(1998), pp.212-250.
 - Reuter. O.1938. **Sasanian Architecture.in survey of Persian art**. Oxford.I.pp493- 575.
 - Schippmann, k. 1972. **The development of the Iranian fire temple international congerss of Iranian art and archaeology Tehran** (v.i pp, 353-362).
 - Schlumberger, D .1974. "**Sasanian archtiectuer**". memorialjean de foundakion, part (215- 225)
 - Vanden Berghe, L.1961. "**Recentes decouvertes de monuments Sassanides dans les fars**". Iranica Antiqua, I. pp.163-199.
 - Vanden Berghe, L.1977. " Les chahar taqs du Pusht – I Kuh, Luristan" Iranica Antiqua, XII. pp175-190, planche.I-VI.